

## آیین رستگاری

احمد سرچاهی / واحد ارتباط با مدارس

**چکیده:** عمومیت و جهانی بودن تعالیم آن در متن قوانین اسلام نهفته است. اینچنین است که می‌تواند جامعه انسانیت را در مسیر "فلاح" و "رستگاری" در دو بعد مادی و معنوی قرار دهد. رستگاری در جامعه‌سازی و نیک‌بختی انسان به قدری پرارزش و بااهمیت است که جمیع خوبی‌های زندگی را می‌توان در واژه "فلاح" خلاصه کرد. نویسنده ابتدا به معناشناسی واژه «فلاح» پرداخته، و با استناد به آیات قرآن و روایات ائمه اطهار(ع)، ویژگی‌های رستگاران، عوامل رستگاری و موانع رستگاری را به تفصیل مورد بحث قرار داده است.

**کلیدواژه:** معناشناسی فلاح / ویژگی‌های رستگاران / عوامل رستگاری / موانع رستگاری / رستگاری در قرآن و احادیث.

در متن قوانین اسلام عمومیت و جهانی بودن تعالیم آن نهفته است لذا می‌تواند جامعه انسانیت را در مسیر فلاح و رستگاری در دو بعد مادی و معنوی قرار دهد. چرا که برترین و آخرین هدف تمام برنامه‌های اسلام "فلاح و رستگاری" است. اسلام در قرآن «فلاح و رستگاری» را به عنوان هدف انجام کارهای خوب معرفی می‌کند، بدین معنی که همه کارهای عبادی و افعال شایسته را برای رسیدن به آن باید انجام داد. ولی اسلام برای خود "فلاح" هدف و غایتی بیان نمی‌کند چرا که وراي «فلاح و رستگاری» هدف بهتر و غایت گرانباتر و پرارزش‌تری وجود ندارد. نکته جالب این که مهم‌ترین و آخرین هدف دین اسلام در اولین شعار آن آمده است: "قولوا لا اله الا الله تفلحوا" به یگانگی خداوند ایمان آورید و «لااله الاالله» بگوئید تا رستگار شوید.<sup>۱</sup>

مسأله "فلاح" در جامعه سازی و نیک‌بختی انسان به قدری پرارزش و با اهمیت است که جمیع خوبی‌های زندگی را می‌توان در "واژه فلاح" خلاصه کرد و یک جامعه آنگاه می‌تواند به خیر مطلق در حیات خویش برسد که حقیقت و واقعیت فلاح را در زندگی درک کرده باشد و این اسلام است که «فلاح» را با تمام ابعاد گوناگون آن به جامعه بشریت ارزانی کرده است. «فلاح و رستگاری» مقصود بالذات و هدف نهایی انسان است و چون «فلاح» در رسیدن به کمال مطلق است و کمال مطلق جز خداوند سبحان نیست؛ پس فلاح انسان در نیل به لقاء الله است

و برای رسیدن به لقای الهی، گام‌های نخست را با هدایت فطری و تقوای اعتقادی، عبادی و مالی باید برداشت و آنگاه از هدایت و رهبری قرآن ناطق و صامت تا به سرمنزل مقصود پیروی کرد. واژه «فلاح» به معنای «رستگاری» به کار می‌رود. به عبارت دیگر رستن از گرفتاری‌ها، گذر از موانع و رسیدن به هدف و مطلوب، شاید دلیل اینکه به کشاورز «فلاح» می‌گویند آن باشد که اسباب رستن دانه را فراهم می‌کند. اگر دستیابی به سعادت و رستگاری را «فلاح» خوانده‌اند عنایت به این است که موانع را شکافته و رخسار مطلوب را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> دانه‌ای که در خاک قرار می‌گیرد با سه عمل سرنوشت خود را به عمق زمین گره می‌زند: اول آنکه ریشه خود را به عمق زمین می‌رساند دوم اینکه مواد غذایی زمین را جذب می‌کند. سوم آنکه خاک‌های مزاحم را دفع می‌کند. انسان نیز برای رهایی خود و رسیدن به فضای باز توحید و نجات از تاریکی‌های مادیات، هوس‌ها و طواغیت باید مانند دانه به انجام سه عمل بپردازد؛ ابتدا ریشه عقاید خود را از طریق استدلال محکم کند، سپس از امکانات خدادادی آنچه را برای تکامل و رشد معنوی اوست جذب کند و در آخر تمام دشمنان و مزاحمان را کنار زند و هر معبودی جز خدا را با کلمه "لا اله" دفع کند تا به فضای باز توحیدی "الا الله" برسد.<sup>۲</sup>

البته «فلاح و رستگاری» معنی وسیعی دارد که پیروزی‌های مادی و معنوی را شامل می‌شود، در مورد مؤمنان نیز هر دو بُعد منظور است. پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند، و این امور جز در سایه ایمان امکان‌پذیر نیست و رستگاری آخرت در این است که در جوار رحمت پروردگار، در کنار دوستان شایسته و پاک و در کمال عزت و سربلندی در نعمت‌های جاویدان غوطه‌ور شود.<sup>۳</sup>

قرآن کریم واژه «فلاح» را با عباراتی چون "قد افلح"، "هم مفلحون"، "العلکم تفلحون" و "لا یفلح" بکار برده است. در بعضی روایات اسلامی نیز چنین تعبیری دیده می‌شود. در این نوشتار آیات و روایات به طور دسته‌بندی شده در سه بخش ارائه می‌شود:

### ۱- ویژگی‌های رستگاران

در قرآن کریم «رستگاران» که از آنها تعبیر به «هم المفلحون» شده است دارای ویژگی‌هایی خاص هستند که عبارتند از:

۱- کسانی که دارای ۵ ویژگی خاص به همراه هدایت الهی هستند:

۱- عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ۲۰۷/۲ و ۲۱۰.

۲- محسن قرائتی، تفسیر نور، ۸۱/۸.

نمونه، ۱۹۳/۴.

«الذین یؤمنون بالغیب و یتقون الصلاه و مما رزقناهم ینفقون؛ و الذین یؤمنون بما انزل الیک و ما انزل من قبلک و بالآخره هم یوقنون؛ اولئک علی هدی من ربهم و اولئک هم المفلحون» (بقره/۵-۳)

«پرهیزگاران کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می آورند، نماز را برپا می دارند. و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم انفاق می کنند و به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می آورند و به رستخیز یقین دارند. آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند.»

### رستگاری پروایشگان

پروایشگان که بر هدایت الهی مستقرند همان گونه که تقوای آنان زمینه ساز بهره مندی از قرآن کریم بود، زمینه ساز «فلاح و رستگاری» آنان نیز هست.

پاداش اهل تقوا که به غیب ایمان دارند، و اهل نماز، انفاق و یقین به آخرت هستند رستگاری و فلاح است. رستگاری، بلندترین قله سعادت است. زیرا خداوند هستی را برای بشر آفریده «خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره/۲۹) و بشر را برای عبادت «و ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (ذاریات/۵۶) و عبادت را برای رسیدن به تقوی (اعبدو ربکم ... لعلکم تتقون» (بقره/۲۱) و تقوی را برای رسیدن به فلاح و رستگاری «واتقوا الله لعلکم تفلحون» (مائده/۱۰۰).<sup>۱</sup>

دو نکته: الف، در آیه تعبیر به «هم المفلحون» دلیل بر انحصار است یعنی تنها راه رستگاری راه این گروه است که با کسب پنج صفت ویژه مشمول هدایت الهی گشته‌اند.<sup>۲</sup> ب. رستگاری تنها در پرتو هدایت الهی قابل دستیابی است، قرآن رستگاری را تنها از آن کسانی می داند که از هدایت الهی بهره مندند.<sup>۳</sup>

۲- کسانی که از حزب الله هستند:

«... الا ان حزب الله هم المفلحون» (مجادله/۲۲)

«بدانید حزب الله پیروزان و رستگارانند.»

در دو آیه از قرآن کریم اشاره به «حزب الله» شده - آیه مورد بحث و آیه ۵۶ سوره مائده - و در یک آیه اشاره به «حزب شیطان». در هر دو مورد که از «حزب الله» سخن می گوید روی مسأله «حب فی الله و بغض فی الله» و ولایت اولیای الهی تکیه کرده است. بنابراین خط «حزب الله» همان خط

۱- محسن قرآنی، تفسیر نور، ۸/۸۱

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱/۸۷

تفسیر راهنما، ۱/۱۱.

ولایت و بریدن از غیر خدا و پیامبر و اوصیای او است. در مقابل، بارزترین نشانه «حزب شیطان» را همان نفاق و دشمنی با حق و فراموشی یاد خدا و دروغ و نیرنگ می‌شمرد.<sup>۱</sup>

حضرت علی(ع) در نهج البلاغه به توصیف هر دو حزب می‌پردازد، در خطبه ۱۹۴ به توصیف «حزب شیطان» پرداخته، در نامه ۴۵ - به عثمان بن حنیف - «حزب الله» را وصف می‌کنند.

حضرت علی(ع) می‌فرماید: «... خوشا به حال آن کس که مسئولیت‌های واجب را در پیشگاه خدا به انجام رسانده است، در راه خدا هرگونه تلخی و سختی را به جان خریده، کف دست را بالین قرار داده است. و در گروهی قرار دارد که ترس از معاد خواب از دیدگانشان ربوده، پهلو از بسترها گرفته و لپهایشان به یاد پروردگار در حرکت و با استغفار طولانی گناهان را زدوده‌اند: "آنان حزب خداوندند و همانا حزب خدا رستگار است."<sup>۲</sup>

۳- کسانی که مطیع محض خدا و رسول هستند:

«انما کان قول المؤمنین اذا دعوا الی الله و رسوله لیحکم بینهم ان یقولوا سمعنا و اطعنا و اولئک هم المفلحون» (نور/۵۱)

«سخن مؤمنان هنگامی که به سوی خدا و رسولش دعوت شدند تا میان آنان داوری کند، تنها این است که می‌گویند: شنیدیم و اطاعت کردیم و اینها همه رستگاراند.»

چه تعبیر جالبی «سمعنا و اطعنا» (شنیدیم و اطاعت کردیم) کوتاه و پرمعنا، جالب اینکه کلمه «انما» که برای حصر است می‌گوید: آنها جز این سختی ندارد و سرتا پایشان همین سخن است و راستی حقیقت ایمان نیز همین است و بس «سمعنا و اطعنا». لذا در پایان آیه می‌فرماید: «اولئک هم المفلحون» کسی که زمام خود را به دست خدا بسپارد و او را حاکم و داور قرار دهد بدون شک در همه چیز پیروز است، چه در زندگی مادی و چه معنوی.<sup>۳</sup>

۴- کسانی که علاوه بر ایمان به رسول خدا(ص) او را حمایت می‌کنند:

«الذین یتبعون الرسول النبوی الامی ... فالذین آمنوا به و عزروه و نصروه و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون (اعراف/۱۵۷)

«همانا که از فرستاده خدا (ص) پیامبر امی پیروی می‌کنند ... پس کسانی که به او ایمان آورده‌اند و حمایت و یاریش کردند و از نوری که با او نازل شده پیروی نمودند، آنان رستگاراند.»

«عزروه» از ماده تعزیر به معنای حمایت و یاری کردن آمیخته با احترام و بزرگداشت است.<sup>۴</sup>

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۴۷۲/۲۳.

۲- سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۴۵.

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۵۲۱/۱۴.

۵- کسانی که در برابر مفسد اجتماعی به اصلاح‌گری و امر به معروف و نهی از منکر می‌پردازند:

«ولتکن منکم امه یدعون الی الخیر و یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر و اولئک هم المفلحون». (آل عمران/۱۰۴)

«باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنان همان رستگارانند.»

۶- کسانی که اهل تقوی، اطاعت و انفاق هستند:

«فاتقوا الله ما استطعتم و اسمعوا و اطیعوا و انفقوا خیر لانفسکم و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون». (تغابن/۱۶)

«پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید و گوش دهید و اطاعت نمایید و انفاق کنید که برای شما بهتر است و کسانی که از بخل و حرص خویشان مصون بمانند رستگارانند.»

خداوند در این آیه به بیان چند دستور می‌پردازد: ۱- تقوا و اجتناب از گناه ۲- اطاعت فرمان و شنیدنی که مقدمه این اطاعت است ۳- انفاق، آن‌گاه می‌گوید: سود تمام اینها عائد خود شما می‌شود.

شُحُّ به معنی بخل توأم با حرص است و می‌دانیم این دو صفت رذیله از بزرگترین موانع رستگاری انسان و بزرگترین سدّ راه انفاق و کارهای خیر است. اگر انسان دست به دامن لطف الهی زده و با تمام وجود از او تقاضا کند، در خودسازی نفس بکوشد و از این دو رذیله نجات یابد سعادت خود را تضمین نموده است.

این آیه - و من یوق ... المفلحون - در سوره مبارکه حشر آیه ۹ نیز آمده است.<sup>۱</sup>

انفاق «فآت ذالقربی حقّه و المسکین و ابن السبیل ذلک خیر للذین یریدون وجه الله و اولئک هم المفلحون». (روم/۳۷)

«پس حق نزدیکان و مسکینان و در راه‌ماندگان را ادا کن این برای آنها که رضای خدا را می‌طلبند بهتر است و چنین کسانی رستگارانند.» از آنجایی که هر نعمت و موهبتی وظایف و مسئولیت‌هایی به دنبال دارد خداوند به هنگام وسعت روزی امر به انفاق می‌کند. فکر نکن آنچه داری از آن تو است بلکه دیگران نیز در اموال تو حق دارند لذا باید انفاق کرد و شرط قبولی انفاق اینست که تنها برای رضای خدا انجام شود و نتیجه آن رستگاری در دنیا و آخرت است.<sup>۲</sup>

۷- کسانی که در قیامت از حسنات، میزان سنگینی دارند:

۱- همان.

«و الوزن يومئذ الحق فمن ثقلت موازينه فاولئك هم المفلحون». (اعراف/۸)  
«وزن کردن اعمال و سنجش ارزش آنها در آن روز حق است کسانی که میزان‌های عمل آنها سنگین است، همان رستگارانند.»

نظیر این آیه در سوره مومنون آیات ۱۰۲ و ۱۰۳ و قارعه آیه ۶ و ۸ نیز آمده است.<sup>۱</sup>

## ۲- عوامل رستگاری

«رستگاری» بدون تلاش بدست نمی‌آید و شرایط و لوازمی دارد. در قرآن کریم به برخی از «عوامل رستگاری» با تعبیر «لعلکم تفلحون» و «قد افلح» اشاره شده است. در قرآن، یازده کلمه «فلاح» با کلمه «لعل» (شاید) همراه است: «لعلکم تفلحون». لکن در سه مورد بدون این کلمه و به طور حتمی مطرح شده است، یکی در سوره مؤمنون: «قد افلح المؤمنون» یکی در سوره شمس: «قد افلح من زکاهها» و دیگری در سوره اعلی: «قد افلح من تزکی» از مقایسه این سه مورد با یکدیگر، روشن می‌شود که ایمان و تزکیه دارای جوهر واحدی هستند.<sup>۲</sup>

اینک عوامل رستگاری از این قرارند:

### ۱- تزکیه و تذهیب نفس:

«قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها» (شمس/۹، ۱۰)

«هرکس نفس خود را پاک و تزکیه کرده، رستگار شده، و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته، نومید و محروم گشته است.»

رسول خدا(ص) هنگامی که این آیه را تلاوت می‌فرمود توقف می‌کرد و چنین دعا می‌نمود:

«اللهم آت نفسي تقواها انت ولیها و مولاها و زکها انت خیر من زکاهها».<sup>۳</sup>

«پروردگارا به نفس من تقوایش را مرحمت کن. تو ولی و مولای آن هستی و آن را تزکیه فرما

که تو بهترین تزکیه کننده‌گانی.»

رسول خدا(ص) فرمود: «افلحت نفس زکاهها الله و خابت نفس خبیها الله من کل خیر».<sup>۴</sup>

«نفسی که خدا آن را تزکیه کرده رستگار شد و نفسی که خدا او را از هر خیر محروم نموده

است ناامید و محروم گشت.»

۱- همان، ۹۰/۶.

۲- محسن قرآنی، تفسیر نور، ۸۰/۸.

۳- طبرسی، مجمع‌البیان، ۴۹۵/۱۰.

۲- برای رستگاری، خشوع در نماز، اعراض از لغو، پرداخت زکات، پاکدامنی و عفت، امانتداری، وفای به عهد و دوام و پایداری در نماز لازم است:

«قد افلح المؤمنون؛ الذین هم فی صلاتهم خشعون؛ و الذین هم عن الغو معرضون؛ و الذین هم للزکوة فعلون؛ و الذین هم لفروجهم حفظون؛ ... و الذین هم لاماناتهم و عهدهم راعون؛ و الذین هم علی صلواتهم یحافظون». (مؤمنون/۹)

«مؤمنان رستگار شدند، آنها که در نمازشان خشوع دارند، و آنها که از لغو و بیهودگی روی گردانند، و آنها که زکات را برپای می‌دارند، و آنها که دامن خویش را (از آلوده شدن به بی‌عفتی) حفظ می‌کنند، ... و آنها که امانت و عهد خود را رعایت می‌کنند، و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند.»

۳- تزکیه نفس، یاد خدا و نماز:

«قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی». (اعلیٰ/۱۴/۱۵)

«به یقین کسی که پاکی جست (و خود را تزکیه کرد) و نام پروردگارش را یاد کرد سپس نماز خواند رستگار شد.»

۴- انتشار در زمین، طلب روزی و یاد خدا:

«فاذا قضیت الصلاه فانتشروا فی الارض و ابتغوا من فضل الله و اذکروا الله کثیر لعلکم تفلحون». (جمعه/۱۰)

«و هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و فضل خدا را بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید.»

منظور از «انتشار در زمین» متفرق شدن مردم در زمین و مشغول شدن در کارهای روزانه برای کسب فضل الهی - رزق و روزی - است. و منظور از طلب روزی نیز همه کارهایی است که عطیه خدای تعالی است و منظور از ذکر، یادآوری نعمات الهی است و اعم است از ذکر زبانی و قلبی، در نتیجه شامل توجه باطنی به خدا نیز می‌شود. روح "ذکر"، "فکر" است و ذکر بی فکر لقلقه زبانی نیست و آنچه مایه فلاح و رستگاری است همان ذکر آمیخته با تفکر در جمیع حالات است. اصولاً ادامه ذکر سبب می‌شود که یاد خدا در اعماق جان رسوخ کند و ریشه‌های غفلت و بی‌خبری را که عامل اصلی هرگونه گناه است بسوزاند و انسان را در مسیر فلاح و رستگاری قرار دهد تا حقیقت «لعلکم تفلحون» حاصل گردد.<sup>۱</sup>

۵- توبه و استغفار:

«... و توبوا الی الله جمیعا ایها المؤمنون لعلکم تفلحون». (جمعه/۳۱)

«و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان، تا رستگار شوید.»

مراد از «توبه» بازگشت به سوی خدا است به امثال اوامر و انتهای از نواهی، و خلاصه پیروی از راه و صراطش.<sup>۱</sup> و اگر کارهای خلافی در این زمینه انجام داده اید اکنون که حقایق احکام اسلام برای شما تبیین شد از خطاهای خود توبه کنید و برای نجات و فلاح به سوی خدا آید که رستگاری تنها بر خانه او است.<sup>۲</sup>

#### ۶- یاد نعمت‌های الهی:

«فاذکروا آلاء الله لعلکم تفلحون» (اعراف/۶۹)

«پس نعمت‌های خدا را به یاد آورید، شاید رستگار شوید.»

زیرا یاد نعمت‌ها عشق و محبت می‌آفریند، میوهٔ محبت، اطاعت است و اطاعت هم به رستگاری می‌انجامد.<sup>۳</sup>

#### ۷- تبعیت از خردمندان:

«قل لایستوی الخبیث و الطیب و لو اعجبت کثره الخبیث فاتقوا الله یا اولی الالباب لعلکم تفلحون». (مائده/۱۰۰)

«بگو (هیچ‌گاه) ناپاک و پاک مساوی نیستند، هرچند فزونی ناپاک‌ها، تو را به شگفتی اندازد، از (مخالفت خدا) بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید.»

اکثریت دلیل «پاکی» نیست، بعضی از افراد ممکن است برای ارتکاب گناهان عمل اکثریت را در پاره‌ای محیط‌ها دستاویز قرار دهند و به بهانهٔ اینکه اکثریت آن را انجام می‌دهند از نهی آن سرپیچی کنند لذا خداوند یک قانون کلی را در آیه بیان می‌کند. و مراد از خبیث و طیب هر موجود ناپاک و پاک است. در واقع آنچه برای شناسایی خوب از بد لازم است اکثریت کیفی است نه اکثریت کمی، یعنی افکار قوی‌تر و والاتر و عالی‌تر و اندیشه‌های تواناتر و پاک‌تر لازم است نه کثرت افراد طرفدار.<sup>۴</sup>

#### ۸- عوامل متعدد دیگر:

۱- «یا ایها الذین ءامنوا اتقوا الله و ابتغوا الیه الوسیله و جاهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون». (مائده/۳۵)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت) خدا بپرهیزید و وسیله‌ای برای تقرب به او بجویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.»

۱- موسوی همدانی، ترجمهٔ المیزان، ۱۵۶/۱۵.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۹۳/۵.

۳- محسن قرائتی، تفسیر نور، ۹۸/۴.

نمونه، ۹۳/۵.



در این آیه سه عامل بیان شده است: ۱- تقوا ۲- توسل ۳- جهاد.  
کلمه «وسیله» دارای معانی بسیار وسیعی است و هر کاری که باعث نزدیک شدن به خدا می شود را شامل می گردد که از مهم ترین وسیله ها توسل به اهل بیت (ع) است.

۲- «ولیس البرّ بان تأتوا البيوت من ظهورها و لكن البر من اتقى و أتوا البيوت من ابوابها و اتقوا الله لعلكم تفلحون». (بقره/۱۸۹)

«کار نیک، آن نیست که از پشت خانه وارد شوید، بلکه نیکی این است که پرهیزگار باشید و از در خانه ها وارد شوید و رستگار گردید.» نیکی در تقوا است نه در عادات و رسوم خرافی، و مراد از «وأتوا البيوت من ابوابها» یعنی برای اقدام در هر کاری اعم از اعمال مذهبی و غیرمذهبی باید از طریق صحیح آن وارد شوید.

چنانچه امام باقر(ع) در تفسیر آیه فمروء: هر کاری را از راهش وارد شوید، ما ابواب خداوند و طریق وصول به او و داعیان به سوی بهشت خدائیم.<sup>۱</sup>

و تقوی پیشه کنید زیرا تقوا یکی از صفاتی است که با همه مراتب ایمان و همه مقامات کمال جمع می شود. خصوصیت تقوا این است که انسان را به سوی فلاح هدایت نموده و به سعادت بشارت می دهد.<sup>۲</sup>

۳- رستگاری بین المللی: «يا ايها الذين ءامنوا اصبروا و صابروا و رابطوا و اتقوا الله لعلكم تفلحون». (آل عمران/۲۰۰)

«ای کسانی که ایمان آورده اید (در برابر مشکل ها و هوس ها) استقامت کنید و در برابر دشمنان (نیز) پایدار باشید و از مرزهای خود، مراقبت کنید و از خدا پرهیزید، شاید رستگار شوید.»  
در این آیه خداوند یک برنامه جامع چهار ماده ای ارائه می دهد که سربلندی و پیروزی و رستگاری در اجرای آن می باشد. خطاب «یا ایها» در آیه می رساند که این برنامه همگانی و برای عموم مسلمانان است.

۱- استقامت و صبر در برابر حوادث و مشکلات

۲- مراقبت دائم از مرزها و سرحدات کشورهای اسلامی

۳- «يا ايها الذين ءامنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربكم و افعلوا الخير لعلكم تفلحون».

(حج/۷۷)

«ای کسانی که ایمان آورده اید رکوع کنید و سجود به جا آورید، و پروردگارتان را عبادت کنید، و کار نیک انجام دهید، شاید رستگار شوید.»

۱- همان، ۷۹/۲.

۲- همان، ۷۹/۲.

آیه شریفه به چهار دستور مهم می‌پردازد: ۱- رکوع ۲- سجود بیان این دو رکن - رکوع و سجود - از میان تمام ارکان نماز به خاطر اهمیت فوق‌العاده آنها در این عبادت بزرگ است. ۳- عبادت پروردگار، دستور عبودیت به طور مطلق که بعد از این دو بیان شده هرگونه عبادت و بندگی خدا را دربر می‌گیرد. ۴- انجام کار نیک، که هر عمل خیری را شامل می‌شود.<sup>۱</sup>

۵- راه نجات «فاما من تاب و ءامن و عمل صالحا فعسی ان یکون من المفلحین». (قصص/۶۷)

«اما کسی که توبه کند، و ایمان آورد و عمل صالحی انجام دهد، امید است که از رستگاران باشد.»

در این آیه خداوند به بیان سه راه نجات پرداخته است: ۱- توبه ۲- ایمان ۳- عمل صالح

تعبیر به «عسی» - امید است - با اینکه کسی که دارای ایمان و عمل صالح باشد حتماً اهل فلاح و رستگاری است، ممکن است به خاطر این باشد که این رستگاری مشروط به بقاء و دوام این حالات است و از آنجا که دوام و بقاء در همه توبه‌کنندگان نیست تعبیر به عسی شده است.<sup>۲</sup>

### ۹- عوامل رستگاری در سخنان اهل بیت(ع):

رسول خدا(ص) فرمود: «قد افلح من اخلص قلبه للإيمان، و جعل قلبه سليما و لسانه صادقا و نفسه مطمئنه و خلیفته مستقیمه و اذنه مستمعه و عینه ناظره.»<sup>۳</sup>

«رستگار شد هر که دلش را برای ایمان خالص گردانید قلبش را پاک و سالم ساخت و زبانش را راستگو و روانش را با آرامش و اخلاقش را درست و گوشش شنوا و چشمش را بینا کرد.»

حضرت علی(ع) فرمود: «من غلب عقله هواه، افلح.»<sup>۴</sup>

«هر که خود بر هوسش چیره شد، رستگار گردد.»

حضرت علی(ع) فرمود: «اطع العلم و اعص الجهل تفلح.»<sup>۵</sup>

«از دانش پیروی کن و از نادانی سرپیچ تا رستگار شوی.»

حضرت علی(ع) فرمود: «من تأدب بآداب الله (عزوجل) اداه الی الفلاح الدائم.»<sup>۶</sup>

«کسی که به آداب الهی تربیت شود خداوند او را به رستگاری جاودان می‌رساند.»

حضرت علی(ع) فرمود: «توق معاصی الله تفلح.»<sup>۷</sup>

۱- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۸۰/۱۴.

۲- همان، ۱۴۱/۱۶.

۳- سیوطی، درالمثور، ۷۲۴/۲.

۴- آمدی، غرر الحکم و درر الکلم/ حدیث ۸۳۵۷.

۵- همان / حدیث ۲۳۰۹.

۶- مجلسی، بحار الانوار، ۲۱۴/۹۲.

۷- همان، حدیث ۲۷۶۳.

«از گناهان بپرهیز تا رستگار شوی.»

امام صادق(ع) فرمود: «قد افلح من اطاع و خاب من عسی.»<sup>۱</sup>  
«رستگار شد کسی که اطاعت کرد و نومید و محروم گشت کسی که عصیان و گناه نمود.»

### ۳- موانع رستگاری

در قرآن کریم به برخی از موانع رستگاری با تعبیر «لا یفلح، لا یفلحون» اشاره شده است که آن موانع از این قرارند:

۱- کفر و فساد عقیده: «و من یدع مع الله اهلها اخر لابرهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون». (مؤمنین/۱۱۷)

«هرکس معبود دیگری را با خدا بخواند - و مسلماً هیچ دلیلی بر آن نخواهد داشت - حساب او نزد پروردگارش خواهد بود، یقیناً کافران رستگار نخواهند شد.»

۲- تکذیب آیات الهی: در این سه آیه این مطلب آمده است: سوره انعام آیه ۲۱، و یونس آیات ۱۷ و ۲۹:

«و من اظلم ممن افتری علی الله کذباً او کذب بآياته انه لا یفلح الظالمون». (انعام/۲۱)  
«چه کسی ستمکارتر است از آن که بر خدا دروغ بسته و یا آیات او را تکذیب کرده، مسلماً ظالمان رستگار نخواهند شد.»

۳- خیانت و ظلم: در داستان حضرت یوسف(ع) خداوند می‌فرماید: «و راوده الّتی هو فی بیتها عن نفسه و غلقت الابواب و قالت هیت لک قال معاذ الله انه ربی احسن مثوای انه لا یفلح الظالمون.» «و آن زن که یوسف در خانه او بود، از او تمنای کامجویی کرد، درها را بست و گفت: بیا به سوی آنچه برای تو مهیاست یوسف گفت پناه می‌برم به خدا او (عزیز مصر) صاحب نعمت من است و مقام مرا گرامی داشته، آیا ممکن است به او ظلم و خیانت کنم؟ مسلماً ظالمان رستگار نمی‌شوند.»

۴- ثروت‌اندوزی و غرور: خداوند در پایان داستان قارون می‌فرماید:

«... و یکأنه لا یفلح الکافرون» «وای! گویی کافران هرگز رستگار نمی‌شوند.»

از آیات ۷۶ تا ۸۲ معلوم می‌شود که علت عدم رستگاری قارون ظلم، ثروت‌اندوزی و غرور بوده است.

۵- ربا: «یا ایها الذین امنوا لاتأکلوا الربوا أضعافاً مضاعفه و اتقوا الله لعلکم تفلحون». (آل عمران/۱۳۰)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید ربا (سود پول) را چند برابر نخورید از خدا بترسید، تا رستگار شوید.»

۶- می‌گساری، قمار و بخت‌آزمایی: «یا ایها الذین آمنوا انما الخمر و المیسر و الانصاب و اللالزام رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه لعلکم تفلحون». (مائده/۹۰)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید شراب و قمار و بت‌ها و ازلام (نوعی بخت‌آزمایی)، پلید و از عمل شیطان است، از آنها دوری کنید تا رستگار شوید.»

۷- موانع رستگاری در سخنان اهل بیت(ع):

رسول خدا(ص) فرمود: «اذا بلغ الرجل اربعین سنه و لم یغلب خیره و شره قبّل الشیطان بین عینیه و قال: هذا وجه لایفلح.»<sup>۱</sup>

«هرگاه مرد به چهل سالگی رسید و خویش بر بدیش چیره نگردد، شیطان پیشانی او را ببوسد و گوید این چهره‌ایست که رستگار نخواهد شد.»

حضرت علی(ع) فرمود: «من اهتم برزق غدٍ لم یفلح ابدا.»<sup>۲</sup>

«کسی که غم روزی فردا را بخورد هرگز رستگار نخواهد شد.»

امام صادق(ع) فرمود: «اذا اذنب الرجل خرج فی قلبه نکته سوداء فان تاب انمحت و ان زاد زادت حتی تغلب علی قلبه، فلا یفلح بعدها ابدا.»<sup>۳</sup>

«هرگاه مرد گناه کند نقطه‌ای سیاه در دلش پیدا شود اگر توبه کرد آن نقطه پاک شود، اما اگر بر گناهش بیفزاید آن نقطه بزرگتر شود، تا جایی که تمام دلش را فروپوشد و زان پس هرگز رستگار نشود.»

۱- مشکاه الانوار، ۱۶۹.

۲- آمدی، غررالحکم و درر الکلم / حدیث ۹۱۱۳.